



## گاهنگاری محوطه قلعه مدریش سیستان بر اساس مطالعه سفال‌های به‌دست آمده از بررسی روشمند

یاسمن نصیری پور<sup>۱</sup>، سپیده بختیاری<sup>۲</sup>، محمد کیخا<sup>۳</sup>، سحر بختیاری<sup>۴</sup>

۱ دانشجوی دکتری گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. نویسنده مسئول: y.nasiripour@gmail.com

۲ دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی (دوران اسلامی)، دانشکده هنر و معماری دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۳ دانشجوی دکتری گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

۴ پژوهشگر پس‌دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله:	چکیده
تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۲/۵/۲۴ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۱۵	پهن‌دشت سیستان در شمال استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرق ایران، با داشتن شرایط مناسب زیستی، از جمله خاک حاصلخیز، مجموعه‌ای از رودخانه‌های دائمی و فصلی و موقعیت ارتباطی و تجاری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های جوامع انسانی در دوران باستان شناخته می‌شده است. بر این اساس و با وجود انجام فعالیت‌های باستان‌شناختی محدود در این حوزه و کمبود اطلاعات باستان‌شناختی جامع از ادوار تاریخی منطقه، انجام یک مطالعه و بررسی روشمند بر روی یکی از مهم‌ترین قلاع اسلامی این دشت ضروری می‌نماید. بدین منظور، حین پروژه بررسی و گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم سلسله تپه‌های بی بی دوست در تیر ماه سال ۱۳۹۵، بررسی روشمند قلعه مدریش که در بخشی از عرصه شمالی محوطه بی‌بی دوست واقع شده، با استفاده از روش «نمونه‌برداری روشمند طبقه‌بندی شده شاخص‌ها»، به انجام رسید. در این نمونه‌برداری تعداد ۲۱۸ یافته باستانی مانند: قطعات شکسته سفال، ظروف سنگی، منگنیک (النگو شیشه‌ای) و قطعات شکسته ظروف شیشه‌ای برداشت شد. در راستای اهداف پژوهش تعداد ۷۷ قطعه سفال شاخص انتخاب و مورد مقایسات گونه‌شناختی قرار گرفت. در این پژوهش سوال بنیادی عبارت است از این‌که: قدمت قلعه مدریش از طریق طبقه‌بندی، گونه‌شناسی و مطالعات مقایسه‌ای سفال مربوط به چه دوره یا دورانی است؟ روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش به دو شیوه میدانی و اسنادی، و روش پژوهش توصیفی - تطبیقی است و نتایج براساس مطالعات مقایسه‌ای مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل از مطالعات انجام شده در این محوطه به وضوح تاریخ استقرار سده‌های میانی ۵ تا ۹ ه‍.ق و ارتباط فرهنگی این منطقه را با مناطق همجوار مانند خراسان بزرگ، افغانستان، کرمان و بلوچستان نشان می‌دهد. همچنین، گونه شاخص و پر تعداد سفالی این محوطه سفال‌های بدون لعاب با نقش‌کنده با نقوش هندسی است.
واژگان کلیدی: سیستان سفال بررسی روشمند سده‌های میانی اسلام گاه‌نگاری قلعه مدریش	

\* استناد: عزیزی خرائقی، محمدحسین، درویش خضری، سحر، جمشیدی یگانه، سپیده، اکبری، افشین (۱۴۰۳). گاه‌نگاری محوطه قلعه مدریش سیستان بر

## مقدمه

سفال به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین دست‌ساخته‌های جوامع انسانی در بازسازی فرهنگ و تمدن گذشته جایگاه مهمی دارد. طبقه‌بندی، گونه‌شناسی و گاهنگاری سفال، اهمیت بالایی در مطالعات باستان‌شناختی دارد. یکی از مناطق کمتر شناخته شده در باستان‌شناسی دوران اسلامی ایران، محدوده‌ی شمالی استان سیستان و بلوچستان موسوم به منطقه سیستان است. با استناد به منابع تاریخی تردیدی نیست که سرزمین سیستان در دوران اسلامی از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است (سایکس، ۱۳۷۸: ۴۵۴؛ سیستانی، ۱۳۴۴: ۶۹۵-۶۹۶؛ سیستانی، ۱۳۶۴: ۵؛ سیستانی، ۱۳۸۳: ۲۳؛ جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۶۲؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۵۴؛ اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۹۴؛ تاریخ سیستان، ۱۳۸۷: ۵؛ ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۳۸ و ۳۹؛ بلاذری، ۱۳۶۴: ۱۴۸-۱۵۰؛ ابی یعقوب، ۱۳۸۱: ۴۷؛ مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۴۲؛ ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۳۹۱؛ ملک شاه حسین، ۱۳۸۳: ۱۱۱؛ تیت، ۱۳۶۴: ۱۰۱؛ ذوالفقار کرمانی، ۱۳۷۴: ۷۱). علی‌رغم شایستگی‌های بسیاری که منابع جغرافیایی و متون تاریخی از سیستان دوران اسلامی یاد کرده‌اند؛ این سرزمین کمتر مورد توجه محققان و باستان‌شناسان دوران اسلامی قرار گرفته است.

استان سیستان و بلوچستان با وسعتی حدود ۱۸۷۵۰۲ کیلومتر مربع معادل ۹/۱٪ مساحت کشور ایران است. از مجموع این گستره، ۸۱۱۷ کیلومتر به منطقه سیستان مربوط می‌شود (نجار سلیقه، ۱۳۸۵: ۲۵). این استان در شمال به استان خراسان جنوبی و کشور افغانستان، در شرق با مرز خاکی و آبی حدود ۱۲۶۰ کیلومتری به کشورهای پاکستان و افغانستان، در جنوب با مرز آبی ۳۰۰ کیلومتری به آب‌های آزاد دریای عمان و بالاخره

در مغرب به استان‌های کرمان و هرمزگان محدود می‌شود (جهانبانی، ۱۳۳۸: ۱۰۹) (شکل ۱).

سیستان منطقه‌ای که انسان در آن دائماً در کنش و واکنش با محیط طبیعی قرار داشته و همچنین، سرزمین اسطوره، دین و فرهنگ بوده است. سیستان به علت برخورداری از ویژگی‌های مناسب و منحصر به فرد محیطی، همواره جمعیت قابل توجه‌ای داشته و از سوی دیگر به علت موقعیت استراتژیک و نظامی مورد توجه حکومت‌ها و دولت‌های مختلف در ادوار گذشته بوده است. با این حال، با وجود اهمیت این منطقه از دیدگاه کشاورزی، زیست محیطی و موقعیت ارتباطی و تجاری آن و همچنین، وجود آثار و محوطه‌های باستانی فراوان، دانسته‌های باستان‌شناختی ما از این منطقه بسیار اندک است. از این‌رو، در این پژوهش سعی بر آن است تا یکی از قلاع شاخص این منطقه در سده‌های میانی اسلام مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد.

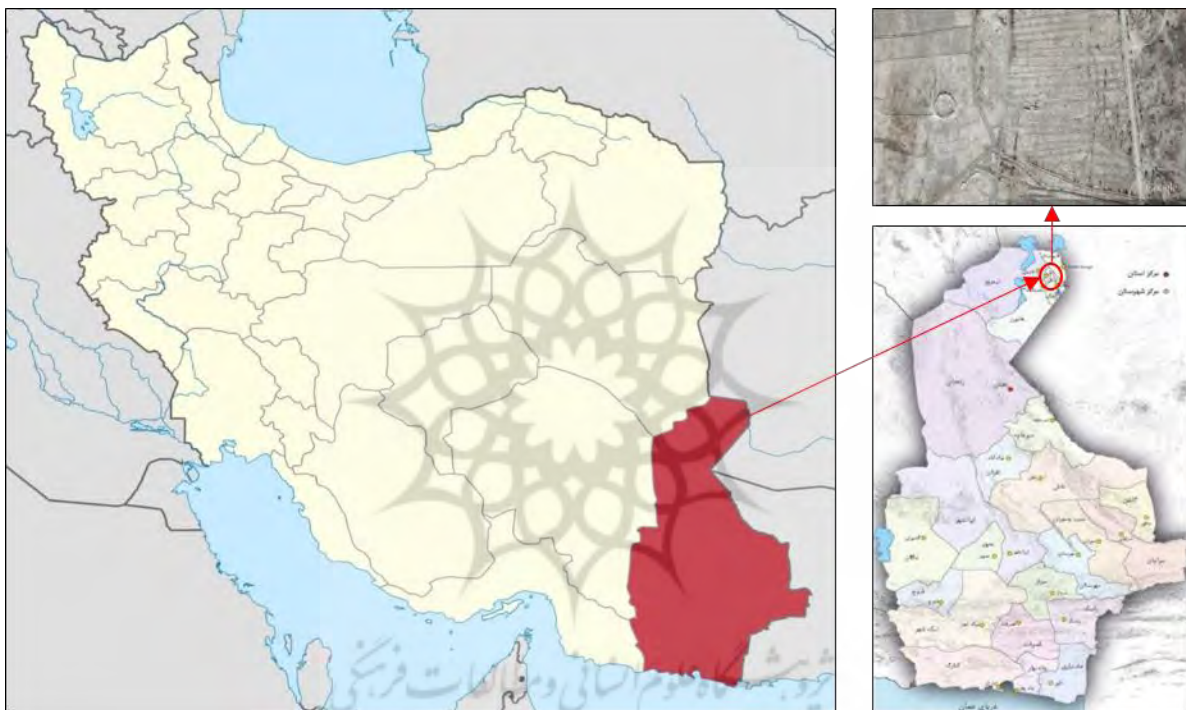
## روش پژوهش

این مقاله برگرفته از برنامه پژوهشی بررسی و تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه باستانی بی‌بی‌دوست بخش مرکزی شهرستان زابل در چارچوب مجوز پژوهشکده باستان‌شناسی به شماره ۹۴۲۱۰۰/۱۴۸۳۹ مورخ ۱۳۹۵/۳/۹ به سرپرستی محمد کیخا است.

روش پژوهش از نوع توصیفی - تطبیقی بوده و نتایج براساس مطالعات مقایسه‌ای مورد تحلیل قرار گرفته است. گردآوری اطلاعات آن نیز به دو شیوه میدانی و اسنادی انجام گرفته است. در روش اسنادی، تمامی اطلاعات و داده‌های مربوط به محوطه، شامل تاریخچه فعالیت‌های میدانی، متون جغرافیایی و همچنین، تمامی منابع مقایسه سفالینه‌های آن جمع‌آوری گردید. در روش

بدین صورت که در ۹ ردیف و ۸ ستون واقع شدند. جهت شماره‌گذاری این واحدها از ردیف و ستون قرارگیری هر واحد استفاده شد، بدین صورت که ابتدا ردیف‌ها با اعداد ۱ تا ۹ و ستون‌ها با حروف لاتین A تا H نام‌گذاری گردید. پس از این بلوک‌بندی محوطه به تعداد ۷۲ واحد تقسیم شد. در انتها از ۱۸ واحد که حدود ۲۵ درصد کل محوطه را شامل می‌شود، نمونه‌برداری انجام گرفت.

میدانی نیز بررسی روشمند باستان‌شناختی محوطه در سه مرحله‌ی مشخص، شامل نقشه‌برداری، نمونه‌برداری و مستندسازی یافته‌ها (مشمتمل بر شست‌وشوی نمونه‌های سفالی، پشت‌نویسی نمونه‌ها، ثبت اطلاعات نمونه‌ها، گزینش نمونه‌های شاخص، طراحی نمونه‌ها و عکاسی از آن‌ها) به انجام رسید. در راستای انتخاب نمونه‌ها، پس از تهیه و ترسیم نقشه توپوگرافی محوطه، در ابتدا، محوطه به شبکه‌هایی با ابعاد ۱۰ در ۱۰ متر، شبکه‌بندی شد.



شکل ۱: موقعیت قلعه مدریش در سیستان در شمال استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرق ایران (کیخا، ۱۳۹۵: ۵۰۷).

## روش پژوهش

این مقاله برگرفته از برنامه پژوهشی بررسی و تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه باستانی بی‌بی‌دوست بخش مرکزی شهرستان زابل در چارچوب مجوز پژوهشکده باستان‌شناسی به شماره ۹۴۲۱۰/۱۴۸۳۹ مورخ ۱۳۹۵/۳/۹ به سرپرستی محمد کیخا است. روش پژوهش از نوع توصیفی - تطبیقی بوده و نتایج براساس مطالعات مقایسه‌ای مورد تحلیل قرار گرفته است.

گردآوری اطلاعات آن نیز به دو شیوه میدانی و اسنادی انجام گرفته است. در روش اسنادی، تمامی اطلاعات و داده‌های مربوط به محوطه، شامل تاریخچه فعالیت‌های میدانی، متون جغرافیایی و همچنین، تمامی منابع مقایسه سفالینه‌های آن جمع‌آوری گردید. در روش میدانی نیز بررسی روشمند باستان‌شناختی محوطه در سه مرحله‌ی مشخص، شامل نقشه‌برداری، نمونه‌برداری و مستندسازی یافته‌ها (مشمتمل بر شست‌وشوی نمونه‌های

و مهر آفرین، ۱۳۸۶: ۱۳۸۸). سپس، بررسی روشمند محوطه قلعه مدیسی در تیر ماه ۱۳۹۵ حین پروژه بررسی و گمانه‌زنی جهت تعیین عرصه و پیشنهاد حریم سلسله تپه‌های بی بی دوست با هدف گاهنگاری نسبی در محوطه، به انجام رسید (کیخا، ۱۳۹۵). آخرین فعالیت انجام شده در این محوطه نیز کاوش آموزشی گروه باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان به سرپرستی داوود صارمی‌نائینی را می‌توان نام برد (صارمی‌نائینی، ۱۳۹۹، منتشر نشده). در پژوهش حاضر یافته‌های به‌دست آمده از بررسی روشمند قلعه مدیسی که در سال ۱۳۹۵ صورت پذیرفته و گردآوری شده، مورد بحث قرار گرفته است.

#### موقعیت و وضعیت ظاهری قلعه مدیسی

قلعه مدیسی<sup>۱</sup> بقایای یکی از قلعه‌های سیستان با وسعتی در حدود ۱ هکتار است که در ۱۶ کیلومتری شمال شرقی شهرستان زابل و در حاشیه غربی رود (کانال) نیاتک در ارتفاع ۴۹۳ متری از سطح دریا و در مختصات جغرافیایی N:3106740 E:6136897 واقع شده است (شکل ۲).

سفالی، پشت‌نویسی نمونه‌ها، ثبت اطلاعات نمونه‌ها، گزینش نمونه‌های شاخص، طراحی نمونه‌ها و عکاسی از آن‌ها) به انجام رسید. در راستای انتخاب نمونه‌ها، پس از تهیه و ترسیم نقشه توپوگرافی محوطه، در ابتدا، محوطه به شبکه‌هایی با ابعاد ۱۰ در ۱۰ متر، شبکه‌بندی شد. بدین‌صورت که در ۹ ردیف و ۸ ستون واقع شدند. جهت شماره‌گذاری این واحدها از ردیف و ستون قرارگیری هر واحد استفاده شد، بدین‌صورت که ابتدا ردیف‌ها با اعداد ۱ تا ۹ و ستون‌ها با حروف لاتین A تا H نام‌گذاری گردید. پس از این بلوک‌بندی محوطه به تعداد ۷۲ واحد تقسیم شد. در انتها از ۱۸ واحد که حدود ۲۵ درصد کل محوطه را شامل می‌شود، نمونه‌برداری انجام گرفت.

#### پیشینه پژوهش

آگاهی ما از محوطه مورد مطالعه محدود به سه فعالیت و گزارش کوتاه آن است. در ابتدا، طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ خورشیدی و در پی اجرای طرح بزرگ تهیه نقشه باستان‌شناسی کشور، دشت سیستان در دو فاز مورد بررسی باستان‌شناختی قرار گرفت که در این بررسی محوطه‌ی قلعه مدیسی نیز به ثبت رسید (موسوی حاجی

<sup>۱</sup> نام دقیق محوطه همان قلعه محمد درویش است که در گویش محلی منطقه سیستان قلعه مدیسی گفته می‌شود.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۲: تصویر هوایی محوطه باستانی قلعه مدریش (Google Earth).

از يك چاه آجری با قطر ۷۰ سانتی‌متر باقی مانده است که هم اکنون بیشتر آن پر شده و فقط دارای ۴۰ سانتی‌متر عمق است. این چاه احتمالاً برای ذخیره آب قلعه مورد استفاده قرار می‌گرفته است. مواد فرهنگی سطحی این محوطه شامل قطعات شکسته آجر، خشت، منگنیک (النگوهای شیشه‌ای)، قطعات شکسته ظروف شیشه‌ای و قطعات سفال‌های لعابدار و بدون لعاب است که از تراکم نسبتاً مطلوبی برخوردارند. ابعاد آجرهای سطحی محوطه ۲۳×۳۲×۵ و ابعاد آجرهای موجود در چاه ۵×۱۳×۲۸ سانتی‌متر است. خشت‌های موجود نیز دارای دو نوع است که یکی به ابعاد ۷×۳۰×۳۰ و دیگری به ابعاد ۶×۲۷×۲۷ سانتی‌متر است. پوشش گیاهی داخل و پیرامون قلعه شامل بوته‌های خار است که از تراکم نسبتاً بالایی برخوردارند. علاوه بر آن، سیلاب‌های رود (کانال) نیاتک، ساخت جاده خاکی که از شرق محوطه و در فاصله ۳۵ متری از آن واقع شده، عبور می‌نماید و حفاری غیر مجاز، عوامل دیگر تخریب به حساب می‌آیند که از وسعت محوطه کاسته و به آن صدمات زیادی وارد آورده‌اند (شکل‌های ۳، ۴ و ۵).

این محوطه در فاصله تقریبی ۱۵۰ متری جبهه جنوبی جاده آسفالت ارتباطی شهرستان زابل به شهرستان هیرمند قرار دارد. در فاصله ۳۰۰۰ متری از این قلعه و در جبهه جنوبی آن نیز آرامگاه بی بی دوست واقع شده است. این محوطه بقایایی از یک قلعه با پلان تقریباً مدور با پراکندگی آثار به ابعاد ۹۰ در ۸۰ متر است. که امروزه به صورت یک تپه مدور با قطر ۷۰ متر درآمده است بلندترین نقطه این محوطه از سطح زمین‌های اطراف در حدود ۷ متر است. حصار پیرامون قلعه به صورت دیواری بسیار قطور با مصالحی از نوع خشت و گل به ضخامت ۴ متر قابل مشاهده است که به شدت دچار فرسایش شده است. در فواصل معینی از حصار، برج‌های مستطیل شکلی به ابعاد ۳×۵ متر وجود دارد که این برج‌ها به اطراف خود کاملاً مشرف هستند. این برج‌ها کاملاً مشابه به هم بوده و در دو طبقه ساخته شده‌اند. سطح این محوطه که شامل فضای داخلی قلعه است، گودتر از حواشی و حصار آن است. تنها بقایای اتاق‌های این محوطه متصل به حصار است و دیگر هیچ‌گونه فضایی معماری از آن به جای نمانده است. در شمال فضای داخلی قلعه، بقایای





شکل ۳: نمای کلی قلعه مدریش، دید از شرق (نگارندگان).



شکل ۴: فضای داخلی قلعه مدریش، دید از جنوب (نگارندگان).



شکل ۵: اتاق‌های چسبیده به دیوار حصار قلعه مدریش (نگارندگان).

### ویژگی‌های سفال دوران اسلامی پهن‌دشت سیستان

سفال سده‌های میانی دوران اسلامی در حوزه‌ی فرهنگی جنوب شرق ایران به خصوص منطقه سیستان که برخی از آن‌ها مربوط به کاوش است بر اساس دو متغیر نوع پوشش و تزئین، به چهار گروه عمده سفال بدون لعاب و ساده، سفال بدون لعاب و منقوش، سفال لعاب‌دار و ساده و سفال لعاب‌دار و منقوش، طبقه‌بندی شده‌اند، دشت سیستان و محوطه‌ی قلعه مدریش که درون این دشت قرار گرفته نیز از این رویه مستثنی نمی‌باشند. بر اساس مطالعات انجام شده، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی عمومی

سفالینه‌های دوران اسلامی سیستان منجر به شناسایی ۳۰ گونه و زیر گونه‌ی سفالین انجامیده است که نشان دهنده بهره‌گیری سفالگران سیستان از شیوه‌های متنوع ساخت و تزئین سفالینه‌های دوران اسلامی است. با این حال علیرغم آنکه انواع مختلف تزئینات زیر لعابی در آرایش سفالینه‌های اسلامی سیستان به کار گرفته شده است اما سفالینه‌هایی با روش‌های تزئینی روی لعاب در میان سفال‌های اسلامی منطقه سیستان تاکنون شناسایی نشده است. عدم وجود نمونه‌هایی از گونه‌های نفیس و پرکار سفال اسلامی همچون سفال زرین فام<sup>۲</sup>، سفال مینایی<sup>۳</sup> و

<sup>۲</sup> دوران اوج این گونه سفالی مربوط به قرون ۶ تا ۸ ه.ق است و پس از قرن ۸ رو به افول می‌رود و سپس در دوران صفوی دوباره احیا می‌شود (Lane, 1942: 104). در این شیوه تزئینی سطح داخلی و خارجی سفالینه‌ها در مرحله نخست با استفاده از لعاب مات سفیدرنگی پوشیده شده و سپس نقوش بر روی آن ایجاد شده

و در انتها با استفاده از لعاب شفاف قلبایی تمام سطح سفالینه را می‌پوشانند (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۷).

<sup>۳</sup> ظروف مینایی یا هفت‌رنگ از قرون ۶ و ۷ ه.ق تا اوایل دوران مغول به صورت‌های مختلف تولید شده است. این گونه‌ی سفالی



معدودی قرمز هستند که اکثرا از میزان پخت کافی نیز برخوردارند. شاموت آن‌ها عمدتاً از نوع کانی (گل رس) تشکیل شده است و تمامی سفال‌های بدون لعاب ساده محوطه قلعه مدیریت چرخ‌ساز هستند که رنگ رویه این گروه از سفال‌ها، آجری، قرمز و نخودی است. سفالینه‌های ساده بدون لعاب، تقریباً در تمامی مربع‌های انتخاب شده محوطه قلعه مدیریت به دست آمده است. این گونه سفال‌ها در محوطه دارای اشکال متنوعی می‌باشند که از جمله اشکال رایج آن‌ها می‌توان به تگار، کوزه، لیوان و خمره اشاره کرد. با توجه به این مهم که مقایسه گونه‌شناختی سفال‌های بدون لعاب و ساده از طریق مقایسه شکل لبه و فرم ظرف امکان‌پذیر است، از این رو، در مقایسه گونه‌شناختی این گروه از سفال‌ها تنها قطعات لبه مورد مقایسه قرار گرفتند. لبه‌ها اکثراً با فرم به خارج برگشته و تخت است. نمونه‌ای از سفال‌های مشابه قلعه مدیریت از زاهدان کهنه (موسوی حاجی، ۱۳۸۲)، شمال سیستان (موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹)، شهر حوض‌دار در بخش جنوبی دشت سیستان (کیخا، ۱۳۹۸)، گرگان (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴) و ایران (Grube, 1994) به دست آمده است (جدول ۱).

سفال سیلوئت<sup>۴</sup>، نشان از عدم مهارت یا رغبت سفالگران سیستان در آرایش سفالینه‌ها با شیوه‌های تزئین روی لعاب و نیز شیوه‌های پر کار تزئین در زیر لعاب دارد (موسوی حاجی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۳ و ۱۴). با این اوصاف و پس از مطالعه سفال‌های قلعه مدیریت مشخص گردید که در این محوطه از ۳۰ گونه و زیرگونه سفال اسلامی شناخته شده در منطقه سیستان تعداد ۱۰ گونه و زیرگونه‌ی آن قابل رویت است. با این مقدمه، سفال‌های قلعه مدیریت در ادامه مورد معرفی و تحلیل قرار خواهند گرفت.

### طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های قلعه مدیریت

#### سفال بدون لعاب

سفال بدون لعاب بیشتر جنبه کاربردی داشته و در آغاز برای رفع نیازهای بشر ساخته شده و به مرور زمان با استفاده از تکنیک‌های مختلف سفالگری به زیبایی و استحکام بخشی آن افزودند. در این محوطه، ما شاهد دو گروه از سفالینه‌های بی لعاب به صورت ساده و منقوش هستیم که در ادامه به هرکدام از آن‌ها پرداخته می‌شود.

#### سفال بدون لعاب و ساده


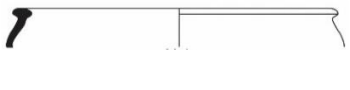

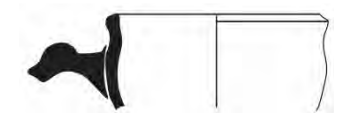


خمیره این گروه از سفال‌های موجود در محوطه به رنگ‌های نخودی، آجری، سبز، خاکستری و تعداد

تراشیده زیر لعاب است. در این روش سفال‌ها را با دورنگ آبی و سیاه لعاب می‌دهند و پس از آن به منظور نقش‌اندازی، لعاب فوقانی را تراش داده و در پایان با لعاب شفاف قلیایی می‌پوشانند. بدین صورت نقوش تزئینی به رنگ لعاب تحتانی بر روی ظروف ظاهر می‌شود (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۱۶-۱۱۷).

با لعاب سفید مات یا فیروزه‌ای و تزئینات بسیار ظریف با مینای آبی، سبز، قهوه‌ای، سیاه، قرمز، سفید و گاهی طلا تولید می‌شد (اسمیت، ۱۳۸۰: ۲۱۴).

<sup>۴</sup> این شیوه تزئینی یکی از متفاوت‌ترین گونه‌های تزئین در سفالینه‌های اسلامی بشمار می‌رود، که استفاده از شیوه نقوش

جدول ۱: سفال‌های بدون لعاب و ساده (نگارندگان).


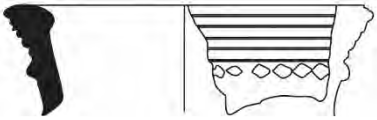








ردیف	منبع قابل مقایسه	شکل	طرح	قدمت
۱	گرگان (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴، شکل ۳۷)			۶ هـ.ق
۲	ایران (مجموعه ناصر خلیلی) (Grube, 1994, 182. No. 183)			۶ هـ.ق
۳	زاهدان کهنه (موسوی حاجی، ۱۳۸۲، لوحه ۳۰، طرح ۱)، شهر حوض‌دار سیستان (کیخا، ۱۳۹۸، لوحه ۲۵ طرح ۲)			۶ هـ.ق

### سفال بدون لعاب و منقوش

خمیره این گروه از سفال‌های بدست آمده از محوطه قلعه مدریش نیز عمدتاً در طیف رنگی آجری و نخودی قرار دارد و مواد تشکیل دهنده‌ی شاموت آن، نیز از نوع کانی (گل رس) است؛ از لحاظ تکنیک ساخت، همه سفال‌های به دست آمده از محوطه چرخ‌ساز هستند. سفال‌های بدون لعاب و منقوش محوطه قلعه مدریش بر اساس شیوه تزئین شامل نقوش کنده، قالب‌زده و افزوده هستند که گاهی این نقوش در ترکیب با هم بر روی سفالینه‌ها نیز مشاهده می‌شود. قسمت عمده‌ی این نقوش در قسمت بالایی و مرکز ظرف مشاهده می‌شود. ظروف عموماً دارای فرم کوزه، کاسه و خمیره هستند. لبه‌ها عموماً با دهانه باز و بسته و دارای فرم به خارج برگشته و تخت هستند. این‌گونه ظروف دارای کاربرد آشپزخانه‌ای و ذخیره مواد غذایی روزمره بوده است. نقش مایه تزئینات این گروه از سفالینه‌ها از نوع هندسی و به‌ندرت گیاهی هستند و طرح نقوش آن‌ها نیز به‌صورت خطوط شیاردار موازی و زیگزگی و در نقوش افزوده این تزئین به‌صورت نقوش زنجیری و طنابی است. این گروه از سفال‌ها، بر

اساس متغیر نوع تزئین به پنج گونه نقش کنده، نقش افزوده، نقش قالب‌زده، کنده و افزوده و کنده و قالب‌زده تقسیم می‌شوند. مشابه این سفالینه‌ها از شهر توس (رضانژاد، ۱۳۸۰) و لشکری بازار در افغانستان (Rowland & Rice, 1971) متعلق به قرن ۶-۴ هـ.ق به دست آمده که دارای لبه به خارج برگشته با تزئین به صورت زنجیری یا طنابی است. علاوه بر این از زاهدان کهنه (موسوی حاجی، ۱۳۸۲) و قلعه پوئینک ورامین (چوبک، ۱۳۷۶) سفال‌های مشابهی متعلق به قرون ۵-۷ هـ.ق به دست آمده که هر دو نوع دارای تزئیناتی به صورت کنده با خطوط موازی و موج و با توام با همدیگر هستند. این سفالینه‌ها در شمشیرغار افغانستان (Dupree, 1958) متعلق به سده‌های ۱-۷ هـ.ق به فرم خمیره و تزئینی به صورت نقش افزوده به شکل دکمه‌ای قابل مشاهده است، همچنین، این گونه سفال از پیشاوران (Fairservis, 1961) متعلق به سده‌های ۱-۸ هـ.ق با تزئیناتی به‌صورت نقش کنده با خطوط شیاردار و ایران (Baer, 1989) متعلق به سده‌های ۶-۷ هـ.ق با تزئیناتی به‌صورت نقش قالب‌زده به‌دست آمده است (جدول ۲).

جدول ۲: سفال‌های بدون لعاب و منقوش (نگارندگان، ۱۴۰۲).

ردیف	منبع قابل مقایسه	شکل	طرح	قدمت
۱	شهر توس (رضانژاد، ۱۳۸۰: ۱۹۵، ۷؛ لشکری بازار (موزه کابل) Rowland & Rice, ) (1971,p1.173)			۴-۶ ه.ق
۲	زاهدان کهنه (موسوی حاجی، ۱۳۸۲، لوحة ۶ طرح ۱۸)			۵-۷ ه.ق
۳	قلعه پوئینک ورامین (چوبک، ۱۳۷۶، لوحة ۳۲، طرح ۳۵)			۵-۷ ه.ق
۴	مکران جنوبی (موسوی حاجی و دیگران، ۱۳۹۲: لوحة ۲ طرح ۱۱ و لوحة ۳ طرح ۱۲)			۶-۷ ه.ق
۵	پیشاوران (Fairservis, ) (1961,p1.16,1-K)			۱-۸ ه.ق

### سفال لعاب‌دار

سفالینه‌های لعاب‌دار به دست آمده از محوطه قلعه مدیث نسبت به سفال‌های ساده این مجموعه، از تنوع بیشتری برخوردارند. این سفالینه‌های لعاب‌دار در دو گروه سفالینه‌های لعاب‌دار ساده و همچنین، سفالینه‌های لعاب‌دار منقوش قابل بررسی و مطالعه هستند.

### سفال لعاب‌دار ساده




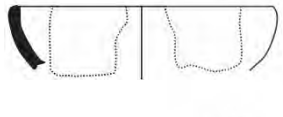

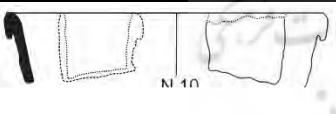

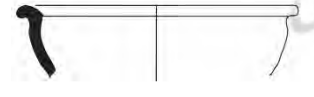

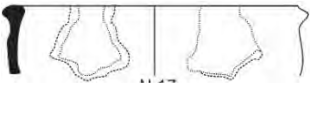

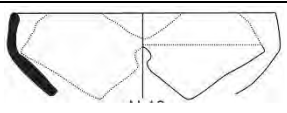

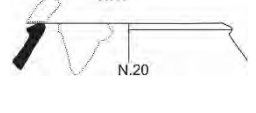
سفال‌های با لعاب یکرنگ از متداولترین ظروفی بوده که ساخت آن در ایران قبل و بعد از اسلام در اکثر مراکز سفال‌گری رواج داشته است (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۳۰). بیشتر سفالینه‌های لعاب یکرنگ شناسایی شده در منطقه سیستان دارای خمیره‌ای از جنس گل رس به

رنگهای نخودی، آجری و قرمز هستند و برخی از نمونه‌ها نیز از جنس خمیر سنگ (Stone Paste) ساخته شده‌اند (موسوی حاجی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳). سفالینه‌های لعاب‌دار ساده قلعه مدیث، شامل سفالینه‌هایی است که بدون تزیین بوده، اما با لعاب تک‌رنگ به‌طور کامل پوشانده شده‌اند. شکل بیشتر این ظروف به صورت کاسه، پیاله و تگار است. فرم لبه‌ی سفال‌های لعاب‌دار ساده به‌صورت خمیده، به بیرون برگشته، ایستاده و مواردی اندک به داخل برگشته است. ماده چسباننده‌ی تمامی این گروه از سفال‌ها از نوع کانی (گل رس) است و نیز همه‌ی سفال‌های به دست آمده از این نوع در محوطه چرخ‌ساز هستند این گونه از سفال‌ها، تنها بر اساس متغیر رنگ لعاب در ده گونه، شامل: سفید، سبز،

(Hoddon, 2011a) متعلق به قرون ۵-۸ هق و شهر حوض‌دار در بخش جنوبی پهن‌دشت سیستان (کیخا، ۱۳۹۸) به دست آمده که با لعاب سبز رنگ و زیتونی و دارای لبه به خارج برگشته هستند. علاوه بر این از ایران شرقی یا آسیای مرکزی (مجموعه ناصر خلیلی) (Grube, 1994: 136, no. 135) نیز قابل مشاهده است. افزون بر این از این نمونه سفالینه‌ها با لعاب سبز و لبه تخت متعلق به سده ۶-۷ هق از ایران بدست آمده است. (Watson, 2004, 318, 323, cats. L.) (16,L.28 & Watson, 2004: 318, cat.L.16 (جدول ۳).

آبی، لاجوردی، بادمجانی، جگری (زرشکی)، حنایی، خردلی، قهوه‌ای و سیاه تقسیم‌بندی شده‌اند. که سفالینه‌ها با لعاب سبز و آبی بیشتر از سایر موارد مشاهده می‌شود. تمامی این قطعات بدون نقش هستند و از نظر رنگ و لعاب‌دهی قابل مقایسه با سفالینه‌های گرگان با لعاب سبز و آبی متعلق به سده‌های ۶-۷ هق (موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران) (قائینی، ۱۳۷۹، شکل ۲۷/۲۲)، ایران (موزه طارق رجب) با لعاب آبی، سبز و قهوه‌ای متعلق به قرون ۶-۷ هق (Fehervari, 2000, 150, no. 184 & 160) و شمال سیستان با لعاب آبی متعلق به سده‌های ۶-۷ هق (موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: شکل ۴) هستند. مشابه این سفالینه‌ها از خراسان

جدول ۳: سفال لعاب‌دار و ساده (نگارندگان، ۱۴۰۲).

ردیف	منبع قابل مقایسه	شکل	طرح	قدمت
۱	خراسان (بخش دوران اسلامی موزه ملی ایران) (Hoddon, 2011a, Vol. I, 192, (Fig.4.27			۸ هق
۲	ایران (موزه طارق رجب) (Fehervari, 2000, 150, no. 184			۶-۷ هق
۳	ایران (Watson, 2004, 318, 323, cats. L.16,L.28			۶-۷ هق
۴	ایران شرقی یا آسیای مرکزی (مجموعه ناصر خلیلی) (Grube, 1994, 136, no.135)			۵ هق
۷	ایران (موزه طارق رجب) (Fehervari, 2000, 150, no. 184			۶-۷ هق
۸	سیستان (موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: شکل ۴)			۶-۷ هق
۱۰	گرگان (موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران) (قائینی، ۱۳۷۹، شکل ۲۷/۲۲)			۶-۷ هق



## سفال لعاب‌دار منقوش

این مجموعه از تنوع زیادی برخوردار است، براساس متغیر نوع تزیین به ۴ گونه تقسیم می‌شوند. خمیره این سفال‌ها عمدتاً در طیف رنگی نخودی، آجری و قرمز قرار دارد. ماده چسباننده‌ی این سفال‌ها از نوع گل رس است؛ همه سفال‌های این دسته، به دست آمده از محوطه چرخ-ساز هستند. رایج‌ترین فرم ظروف شامل کاسه، بشقاب و پیاله است، فرم لبه این سفال‌ها نیز اکثراً به صورت تخت و یا به داخل برگشته هستند و فرم کف آن‌ها نیز اکثراً به صورت تخت است.

۱- سفال اسگرافیاتو ساده با لعاب یک‌رنگ: خمیره فشرده این سفال‌ها به رنگ‌های نخودی و آجری است و تزیینات

آن‌ها به شکل خطوط موازی، مارپیچی، دالبری و یا نامنظم بر سطح لعاب گلی خراشیده شده است. در انتها، لعابی به رنگ کهربایی سفید مات، سبز یا فیروزه‌ای سطح سفال و نقوش آن را پوشانده است (جدول ۴). مشابه این سفالینه‌ها از مکران جنوبی (موسوی حاجی و دیگران، ۱۳۹۲) متعلق به قرن ۶ ه.ق به دست آمده که با لعاب آبی رنگ و دارای لبه تخت با تزیین به صورت کنده و نقاشی زیر لعاب به شکل خطوط موازی و منحنی است. علاوه بر این، این سفال از سیستان شمالی (موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹) متعلق به قرن ۶ ه.ق به دست آمده که با لعاب سبز رنگ و با تزیین کنده و نقاشی زیر لعاب تزیین شده است.

جدول ۴: سفال اسگرافیاتو ساده با لعاب یک‌رنگ (نگارندگان، ۱۴۰۲).

ردیف	منبع قابل مقایسه	شکل	طرح	قدمت
۱	مکران جنوبی (موسوی حاجی و دیگران، ۱۳۹۲: لوحه ۷ شکل ۳۴)			۶ ه.ق
۳	سیستان (موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: لوحه ۷۱ طرح‌های ۲۲۰، ۲۲۱ و ۲۲۲ و لوحه ۷۲ طرح ۲۲۳)			۶ ه.ق

۲- سفال منقوش گلابه‌ای: سفال‌های موسوم به منقوش گلابه‌ای (Slip-Painted) دارای یک زمینه گلابه‌ای هستند که تزیینات به شیوه نقاشی بر روی آن ایجاد شده و مواد رنگی نیز یک اسلیپ یا گلابه‌ی افزوده دارند. به عبارت دیگر، ابتدا بدنه‌ی رسی سفال که از یک خمیره نخودی یا قرمز ساخته می‌شد با لایه‌ای از گلابه پوشیده شده و سپس، نقوش به وسیله مواد رنگی ممزوج با یک واسطه گلی، بر روی این پوشش گلابه‌ای ایجاد می‌شدند. در پایان نیز سطح سفال با لعاب سربی شفاف پوشانده

می‌شد (Blair & Bloom, 2004: 122;). نقشمایه‌های سفالینه‌های منقوش گلابه‌ای محوطه‌ی قلعه مدیسی شامل نقوش گیاهی و هندسی است و رنگ‌های به کار رفته بر روی آنها، طیف وسیعی از قهوه‌ای تیره، قهوه‌ای روشن، سیاه و سفید را شامل می‌شود (جدول ۵). مشابه این سفالینه‌ها از نیشابور (موزه ملی ایران) (رفیعی، ۱۳۷۷) متعلق به قرن ۴ ه.ق به دست آمده که دارای کف تخت با تزیین نقاشی بر روی لعاب گلابه‌ای و با رنگ نقوش سیاه رنگ

روی لعاب گلابه‌ای و با رنگ نقوش سیاه رنگ در زیر لعاب سربی شفاف به صورت خطوط مارپیچی، موازی و گیاهی است.

در زیر لعاب سربی شفاف به صورت خطوط مارپیچی، موازی و گیاهی هستند. علاوه بر این نیز از شمال سیستان (موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹) متعلق به قرن ۴ ه.ق به دست آمده که دارای کف دکمه‌ای با تزیین نقاشی بر


جدول ۵: سفال منقوش گلابه‌ای (نگارندگان، ۱۴۰۲).

ردیف	منبع قابل مقایسه	شکل	طرح	قدمت
۱	نیشابور (موزه ملی ایران) (رفیعی، ۱۳۷۷، ۲۱۳، شکل ۱۱۵)			۴ ه.ق
۲	سیستان (موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹، لوحه ۴۸ طرح‌های ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲ و ۸۴)			۴ ه.ق

(موسوی حاجی، ۱۳۸۲) متعلق به قرن ۷ ه.ق به دست آمده که دارای دهانه باز با لبه به خارج برگشته با تزیین لعاب فیروزه‌ای رنگ و نقوش سیاه رنگ در زیر لعاب به صورت خطوط شانه‌ای یا نردبانی، موازی و نقوش گیاهی هستند. علاوه بر این از شهر توس (رضانژاد، ۱۳۸۰) متعلق به قرن ۷ ه.ق به دست آمده که دارای کف دکمه‌ای با تزیین لعاب فیروزه‌ای رنگ و نقوش سیاه رنگ در زیر لعاب به صورت خطوط موازی و نقوش گیاهی قابل مشاهده است.

**۳- سفال با نقش سیاه زیر لعاب فیروزه‌ای/سبزآبی:** این نوع سفال که از رایج‌ترین نمونه‌های سفالین سده‌های میانی اسلامی به‌شمار می‌رود و در ادبیات باستان‌شناسی دوران اسلامی ایران به (قلم مشکی) نیز موسوم است. تزئینات گیاهی و هندسی اینگونه از سفال‌ها با رنگ سیاه نقش شده و سپس، لعابی در طیف‌های مختلف آبی و سبز، سطح سفال را در بر گرفته است. تمام این گونه از سفال‌ها در محوطه قلعه مدریش دارای خمیره‌ای از جنس گل رس به رنگ‌های نخودی، آجری و قرمز آجری هستند (جدول ۶). مشابه این سفالینه‌ها از زاهدان کهنه


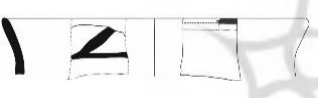


جدول ۶: سفال با نقش سیاه زیر لعاب فیروزه‌ای/سبزآبی (نگارندگان، ۱۴۰۲).

ردیف	منبع قابل مقایسه	شکل	طرح	قدمت
۱	زاهدان کهنه (موسوی حاجی، ۱۳۸۲، لوحه ۴۰ طرح ۸)			۷ ه.ق
۲	شهر توس (رضانژاد، ۱۳۸۰، ۱۳۷، طرح ۲)			۷ ه.ق

به دست آمده که دارای دهانه‌ی باز با لبه به خارج برگشته با تزیین لعاب شفاف بی‌رنگ و نقوش سیاه و فیروزه‌ای رنگ به صورت خطوط برگی شکل و لکه‌های آبی و فیروزه‌ای رنگ است. علاوه بر این از ایران (موزه طارق رجب) (Fehervari, 2000) متعلق به قرون ۶-۸ ه.ق به دست آمده که دارای دهانه‌ی باز با لبه به خارج برگشته با تزیین لعاب شفاف بی‌رنگ و نقوش سیاه و فیروزه‌ای رنگ به صورت خطوط موازی و نقطه نقطه شکل و لکه‌های فیروزه‌ای رنگ قابل مشاهده است.

۴- سفال با نقش سیاه و فیروزه‌ای روی زمینه سفید زیر لعاب شفاف بی‌رنگ: این سفالینه‌ها اغلب دارای خمیره‌ای به رنگ آجری یا قرمز و به ندرت نخودی هستند و نقوش آن‌ها بر روی زمینه‌ای شیری رنگ اجرا شده است. طرح‌های اصلی غالباً گیاهی و با رنگ سیاه نقش شده‌اند و رنگ فیروزه‌ای بیشتر به صورت نوار، لکه و یا به عنوان پرکننده اشکال بسته (مانند برگ) بکار رفته است. در پایان، لعابی شفاف و بی‌رنگ سطح سفال را در بر گرفته است (جدول ۷). مشابه این سفالینه‌ها از زاهدان کهنه (موسوی حاجی، ۱۳۸۲) متعلق به قرون ۶-۸ ه.ق

جدول ۷: سفال با نقش سیاه و فیروزه‌ای روی زمینه سفید زیر لعاب شفاف بی‌رنگ (نگارندگان، ۱۳۹۹).

ردیف	منبع قابل مقایسه	شکل	طرح	قدمت
۱	زاهدان کهنه (موسوی حاجی، ۱۳۸۲: لوحه ۸۷ طرح ۶)			۶-۸ ه.ق
۲	ایران (موزه طارق رجب) (Fehervari, 2000, 226, no..289)			۶-۸ ه.ق

### تجزیه و تحلیل یافته‌ها

قلعه مدیسی به عنوان یکی از مهمترین و بزرگترین قلاع دوران اسلامی منطقه سیستان، به دلیل برخورداری از حجم انبوه مواد متنوع فرهنگی از اهمیت و موقعیت بسیار مطلوبی برای مطالعات باستان‌شناسی در این منطقه برخوردار است. در این راستا، مطالعات تاریخی و بررسی‌های باستان‌شناختی این قلعه با هدف شناخت حداکثری آن صورت گرفت. در این خصوص ابتدا تمام داده‌های اسنادی جمع‌آوری و مورد مطالعه قرار گرفت، پس از آن بررسی سطحی واحدهای انتخاب شده در محوطه انجام شد که از تعداد ۲۱۸ قطعه سفال، شیشه و

ظرف سنگی و النگو (منگنیک) در مجموع تعداد ۱۸۷ قطعه سفال از این قلعه جمع‌آوری گردید.

به منظور گاهنگاری سفال‌های به دست آمده، از هر گروه از گونه‌های مشابه موجود در کل جامعه، یک نمونه شاخص که وضعیت سلامت بهتری را نسبت به بقیه داشت، انتخاب شد که در مجموع ۷۷ نمونه شاخص از کل مجموعه انتخاب گردید. این نمونه‌های شاخص پس از طراحی و گونه‌شناسی و همچنین، مقایسات تطبیقی، جهت گاهنگاری و شناخت فنون سفالگری در این محوطه مورد استفاده قرار گرفتند. نتایج حاصل از مطالعه سفال‌های محوطه قلعه مدیسی و گاهنگاری‌های نسبی و

همچنین، قابلیت مقایسه تعدادی از نمونه‌ها با سفالینه‌های بدون لعاب و لعاب‌دار دوران اسلامی جیرفت، به‌ویژه سفالینه‌های بدون لعاب با نقش قالب‌زده و کنده ارتباط این محوطه با کرمان و همسایگان غربی را در دوران اسلامی نیز روشن می‌سازد.

### نتیجه‌گیری

وجود آثار و محوطه‌های باستانی متعدد و شاخص از دوران اسلامی در منطقه سیستان و در مقابل، نبود اطلاعات و دانسته‌های باستان‌شناختی جامع از این منطقه و متأسفانه تخریب روز افزون محوطه‌ها از جمله محوطه قلعه مدریش، بر ضرورت انجام یک پژوهش باستان‌شناختی جامع، بر روی یکی از شاخص‌ترین محوطه‌های باستانی این حوزه تأکید داشت. از این رو، بررسی و مطالعه محوطه قلعه مدریش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قلاع دوران اسلامی سیستان در سال ۱۳۹۵ با هدف شناخت بهتر محوطه و داده‌های سطحی و نیز گاهنگاری نسبی آن صورت گرفت. در این پژوهش، تلاش گردید تا متناسب با اهداف از پیش تعیین شده، مدت استقرار، گونه‌های سفالین و ارتباطات فرهنگی در محوطه‌ی قلعه مدریش مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا، از دو گونه‌ی اطلاعات اسنادی و میدانی بهره برده شد. با توجه به داده‌های یافت شده در طی بررسی باستان‌شناسی صورت گرفته در محوطه قلعه مدریش و نتایج حاصل از مقایسات گونه‌شناختی انجام شده در این محوطه می‌توان این پاسخ را برای پرسش پژوهش مطرح کرد که طی بررسی‌های یافته‌های سفالین محوطه و گاهنگاری‌های نسبی و مقایسه‌ای آن‌ها، این محوطه در فاصله قرون ۴ تا ۸ ه.ق به طور مستمر محل

مقایسه‌ای آن‌ها نشان داد که در این قلعه از ۳۰ گونه و زیر گونه‌ی سفال اسلامی شناخته شده در منطقه سیستان (موسوی حاجی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۳ و ۱۴) تعداد ۱۰ گونه و زیر گونه‌ی سفال دوران اسلامی؛ ۱: سفال بدون لعاب و ساده ۲: سفال بدون لعاب و منقوش با نقش کنده ۳: سفال بدون لعاب و منقوش با نقش افزوده ۴: سفال بدون لعاب و منقوش با نقش قالب‌زده ۵: سفال بدون لعاب و منقوش با نقش توامان کنده و افزوده ۶: سفال لعاب‌دار و ساده ۷: سفال اسگرافیاتو ساده با لعاب یک رنگ ۸: سفال منقوش گلابه‌ای ۹: سفال با نقش سیاه زیر لعاب فیروزه‌ای/سبز/آبی و ۱۰: سفال با نقش سیاه و فیروزه‌ای روی زمینه سفید زیر لعاب شفاف بی‌رنگ در محوطه‌ی قلعه مدریش قابل رویت است. آثار سفالی این محوطه از جنبه‌های گوناگون (نوع تزئین، نوع فرم، نقشمایه و طرح نقوش) با سفالینه‌های مناطقی مانند نیشابور، بجنورد، مشهد، گرگان، ماوراءالنهر، غزنه، بامیان، قندهار، بلوچستان و کرانه‌های دریای مکران و سفالینه‌های دوران اسلامی جیرفت در استان کرمان مشابهت داشته که این موضوع سبب شده است انتساب این سفالینه‌ها به سده‌های ۴ هجری تا ۸ هجری توجیه پذیر باشد. از این رو، نتایج حاصل از مقایسات گونه‌شناختی نمونه‌های سفالین قلعه مدریش، به‌وضوح نشان از همسانی و مشابهت این نمونه‌ها با سفالینه‌های مناطق همجوار و در راس آن‌ها خراسان بزرگ<sup>۵</sup> دارد. ارتباط فرهنگی بسیار زیاد منطقه سیستان و قلعه مدریش با خراسان بزرگ را می‌توان از شباهت فراوان سفالینه‌های قلعه مدریش با مناطقی چون نیشابور، بجنورد، مشهد، گرگان، ماوراءالنهر، غزنه، بامیان و قندهار دریافت.

میان نیشابور در شرق و بلخ در غرب، مرو در شمال و هرات در جنوب (گروبه، ۱۳۸۴: ۴۵؛ Le Strange, 1966: 382).

<sup>۵</sup> خراسان منطقه‌ایست که جغرافیادانان در دوران اسلامی آن را به چهار قسمت یا ربع تقسیم کرده و چنین توصیف کرده‌اند: منطقه‌ای



جیهانی، ابوالقاسم (۱۳۶۸). *اشکال العالم*، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات از فیروز منصوری، چاپ اول. تهران، به نشر.

چوبک، حمیده (۱۳۷۶). *گزینه سفالینه‌های اسلامی قلعه پوئینک، گزارش‌های باستان‌شناسی (۱)*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).

رضانژاد، حسین (۱۳۸۰). *شناخت و معرفی سفال‌های ارگ تابران توس*. کارشناسی ارشد، باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.

رفیعی، لیلا (۱۳۷۷). *سفال ایرانی*، چاپ اول. تهران: انتشارات یساولی.

زارعی، محمد ابراهیم، شعبانی، محمد (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل گونه‌شناسی سفالینه‌های آغاز دوران اسلامی تا پایان دوره صفوی منطقه همدان، *مطالعات باستان‌شناسی پارسه*، ۳ (۸)، ۱۰۹-۱۲۶.

سایکس، سرپرسی (۱۳۷۸). *خاطرات سفر چهارم به ایران، در: جغرافیای تاریخی سیستان (سفر با سفرنامه‌ها)*، ترجمه و تدوین از حسن احمدی، چاپ اول. تهران: مولف.

سیستانی، محمد اعظم (۱۳۴۴). نیم‌روز به نیم نگاه. *مجله آریانا*، ۱۱ و ۱۲. کابل.

سیستانی، محمد اعظم (۱۳۶۴). *سرزمین ماسه و حماسه*، جلد اول. کابل: مرکز علوم اجتماعی آکادمی علوم جمهوری افغانستان، انتستیتوت تاریخ و اتئوگرافی.

سیستانی، محمد اعظم (۱۳۸۳). *سیستان (سرزمین ماسه‌ها و حماسه‌ها)*، جلد دوم، *سیستان بعد از اسلام*. کابل: آکادمی علوم جمهوری اسلامی افغانستان، مرکز علوم اجتماعی.

سکونت بوده است. لازم به ذکر است با توجه به اینکه میزان پراکنش داده‌های سفالین قرون ۶ تا ۷ هـ.ق مانند سفالینه‌های موسوم به قلم مشکی نسبت به سایر گروه‌ها، حجم بیشتری دارد، به نظر می‌رسد دوران اوج استقرار در این محوطه، مربوط به این قرون باشد.

## منابع

ابن حوقل (۱۳۶۶). *سفرنامه ابن حوقل، ایران در دوره الارض جعفر شعار*، چاپ دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر. ابن خردادبه (۱۳۷۰). *مسالك و ممالک*، ترجمه حسین قره‌چانلو، چاپ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.

ابوالفداء (۱۳۴۹). *تقویم البلدان*، ترجمه عبدالحمید آیتی، چاپ اول. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

استخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۶۸). *مسالك و ممالک*، به اهتمام ایرج افشار یزدی، چاپ سوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

اسمیت، ادوارد لوسی (۱۳۸۰). *فرهنگ اصطلاحات هنری*، مترجم: فرهاد گشایش. تهران: انتشارات عفاف.

بلاذری (۱۳۶۴). *فتوح البلدان*، ترجمه، تعلیقات و مقدمه از محمد توکل، چاپ اول. تهران: نشر نقره.

تیت، جی. پی (۱۳۶۲). *سیستان، تاریخ، حدود و ثغور جغرافیایی، آثار باستانی و ذکر ساکنین آن*، جلد دوم، به اهتمام غلامعلی رییس الذاکرین، چاپ اول. زاهدان: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان سیستان و بلوچستان.

جهانبانی، امان‌الله (۱۳۳۸). *سرگذشت بلوچستان و مرزهای آن*. تهران: بی نا.

موسوی حاجی، سید رسول و مهر آفرین رضا (۱۳۸۸). بررسی باستان‌شناختی پهن دشت سیستان (فاز ۲)، ۱۳۸۷ جلد ۱۶ تا ۳۰. زاهدان: سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی.

موسوی حاجی، سید رسول، عطایی، مرتضی، مهر آفرین، رضا (۱۳۹۸). سفال دوران اسلامی سیستان، باستان‌شناسی هنر حوزه دلتای رودخانه هیرمند؛ با محوریت شهرسوخته از آغاز تا دوران اسلامی، به کوشش سید منصور سید سجادی. تهران: فرهنگستان هنر.

موسوی حاجی، سید رسول، عطایی، مرتضی (۱۳۸۹). مطالعه مجموعه‌ای از نمونه‌های سفالین سیستان، چاپ اول. تهران: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان.

موسوی حاجی، سید رسول، توسلی، محمد مهدی، شیرازی، روح الله، زور، مریم (۱۳۹۲). گونه‌شناختی و معرفی سفالینه‌های دوران اسلامی بلوچستان (مکران جنوبی). همدان: پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران.

ناشناس (۱۳۸۷). تاریخ سیستان، به تصحیح ملک الشعراء بهار، چاپ دوم. تهران: انتشارات معین.

نجارسلیمه، محمد (۱۳۸۵). مکانیزم بارش در جنوب شرق کشور. پژوهش‌های جغرافیایی، ۳۸ (۵۵)، ۱۳-۱۷.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (ابن واضح یعقوبی) (۱۳۸۱). البلدان، ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی. تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.

Baer, E. (1989). Jeweled ceramics from medieval Islam: a note on the ambiguity of Islamic ornament. *Muqarnas*, 83-97.

Blair, S., & Bloom, J. (2004). *Decorative Arts*, in: *Islamic Art and Architecture*,

صارمی نائینی، داوود (۱۳۹۹). گزارش مقدماتی کاوش آموزشی قلعه مدریش سیستان. زاهدان: محفوظ در اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان.

قائینی، فرزانه (۱۳۷۹). سفالینه‌های جرجان؛ موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران، ترجمه: کلود کرباسی، چاپ اول. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).

کرمانی، ذوالفقار (۱۳۷۴). جغرافیای نیمروز، به کوشش عزیزالله عطاردی. تهران: انتشارات عطاردی.

کیانی، محمدیوسف و فاطمه کریمی (۱۳۶۴). هنر سفالگری دوره اسلامی ایران، چاپ اول. تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران.

کیخا، محمد (۱۳۹۵). گزارش تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه بی بی دوست بخش مرکزی شهرستان زابل. زاهدان: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان.

کیخا، محمد (۱۳۹۸). گزارش تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه‌های منطقه حوض‌دار شهرستان هامون. زاهدان: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان.

گروبه، ارنست (۱۳۸۴). سفال اسلامی، جلد هفتم از گزیده ده جلدی مجموعه هنر اسلامی گردآوری ناصر خلیلی، ترجمه فرناز حائری. تهران: نشر کارنگ.

ملک شاه حسین (۱۳۸۳). احیاء المولک، به اهتمام منوچهر ستوده، چاپ دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

موسوی حاجی، سید رسول (۱۳۸۲). زاهدان کهنه شهری خفته در سیستان. مشهد: انتشارات پاژ، پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری سیستان.

Lane, A. (1942). *Early Islamic pottery: Mesopotamia Egypt & Iran*. London: Faber and Faber.

Le Strange. G. (1966). *The lands of the Eastern Caliphate: Mesopotamia, Persia, and Central Asia, from the Moslem conquest to the time of Timur*. New York: Barnes & Noble.

Rowland, B. (1971). *Art in Afghanistan*. London.

Watson, O. (2004). *Ceramics from Islamic Lands*. London: Thames & Hudson Ltd.

Markus Hattstein and Peter Delius (ed). Italy: Konemann.

Dupree, L. (1956). Shamsir Ghar, a historic cave site in Kandahar province, Afghanistan. *Orientalistische Literaturzeitung*, 51(1-6), 147-148.

Fairservis Jr, W. A. (1961). Archaeological Studies in the Sistan Basin of South-West Afghanistan and Eastern Iran. *Anthropological Papers of the American Museum of Natural History*, 48, 14-21.

Fehervari, G. (2000). *Ceramics of the Islamic World In The Tareq Rajab Museum*. London: LB Tauris Publishers.

Grube. E. J. (1994). *Cobalt and Luster, the First Centuries of Islamic Pottery*. New York: The United States, By the Nour Foundation in Association with Azi Muth Editions and Oxford University Press Inc.

Hoddon. R. A. W (2011a). *Fourteenth Century Fine Glazed Wares Produced in the Iranian World, And Comparison Eith Contemporary Ones from the Golden Horde and Mamluk Syria/Egypt*, 2 Vols., Ph.D Theses. Department of Art and Archaeology, School of Oriental and African Studies, University of London.